



۲۰۱۶/۰۳/۱۰

م. نسیم اسیر
ملک الشعراء افغان ها در هجرت

فتنه بیگانه!!

صلح و امنیت، از ضروریات مبرم یک جامعه و یک مملکت است، تلاش های خوش باورانه و بی اثر دولت مردان ما برای صلح، در برابر همسایه محیل و مکار که با دو چهره بازی می کند، کار را به ویرانی سرتاسری افغانستان و نفوذ دشمن در همه امور ما کشانیده است. درد دلی است به همین مناسبت که تقدیم می شود:

کابل شده ویرانه و ویرانه هنوز است
ویرانگر این خانه و کاشانه هنوز است
از فرط جنون، خانه و کاشانه بهم ریخت
سنگ از سر ره دور که دیوانه هنوز است
از قصه ناگفته چه می پرسی که عمریست
برهر دهن این قصه و افسانه هنوز است
از دوست درین بیشه نشانی نگر فتمیم
در هر قدمی فتنه بیگانه هنوز است
آزاده گی ما هوسی بیش نباشد
کانجا شکن و حلقه زولانه هنوز است
دزد آمده، در می زند و ما همه غافل
از غفلت ما، دزدی رندانه هنوز است
در خانه به پندار عدو هیچ کسی نیست
اما به خدا، صاحب این خانه هنوز است

خود را نفروشیم و مقامی نستانیم
بیعانه نگهدار که سامانه هنوز است
دیوانه اگر شحنة شهر است غمی نیست
این غمکده را مردم فرزانه هنوز است
نومید نباشیم ز نامردی جمعی
جمعیتی با همت مردانه هنوز است
گر محتسبم توبه ز نوشیدن می داد
پیمان من و شیشه و پیمانه هنوز است
شادی مکن از بزم خرابات فرو ریخت
آثار بنای می و میخانه هنوز است

در دامگه دشمن (اسیر) از چه نهی پای
هشدار که دام سیه و دانه هنوز است

م. نسیم (اسیر) ۲۹ مارچ ۲۰۰۰م، بن المان